

انفاق از دیدگاه اسلام با محوریت دیدگاه رهبری

نویسنده: زهرا امیری^۱

چکیده

انفاق به معنای اعطای مال یا چیزی دیگر به افراد نیازمند بسیار مورد تأکید اسلام بوده است و آیات و روایات زیادی به ابعاد مختلف انفاق از آثار، کیفیت، موانع و ... پرداخته اند. مقام معظم رهبری در موقعیت های مختلف مسئله انفاق را مورد توجه قرار داده و راهنمایی های کافی حول محور این اصل را داشته اند هدف از این پژوهش بیان دیدگاه اسلام و با محوریت مقام معظم رهبری در مورد انفاق است. این پژوهش به صورت کتابخانه ای جمع آوری شده و پردازش اطلاعات به روش توصیفی-تحلیلی می باشد. یافته های حاصل از این پژوهش نشان می دهد که انفاق دارای آثاری بر جامعه است؛ از جمله این آثار که در این پژوهش به آنها پرداخته شده است عبارتند از رفع فقر، تزکیه و طهارت نفس و همچنین آرامش روحی. با بررسی دیدگاه اسلام و کلام مقام معظم رهبری برای این فریضه چالش ها و موانعی وجود دارد و برای همگانی شدن انفاق باید این چالش ها و موانع برطرف شوند برخی از این چالش ها و موانع عبارتند از: مصرف گرایی، نفاق، حرص و عدم رعایت اعتدال.

کلید واژه ها: انفاق، آثار انفاق، اسلام، رهبری، چالش ها و موانع.

^۱ طلبه سطح دو حوزه علمیه بنت الرسول سلام الله علیها الشتر،

مقدمه

انفاق در اسلام به معنای بخشیدن و هزینه کردن مال و ثروت به منظور حمایت از نیازمندان و گسترش خیرات است. این عمل به شدت تشویق شده و به عنوان یک عبادت مهم در دین اسلام شناخته می‌شود. از دیدگاه قرآن و سنت پیامبر اسلام، انفاق نه تنها باعث بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی می‌شود، بلکه موجب آرامش دل و نزدیکی انسان به خداوند نیز می‌گردد.

آیات متعددی در قرآن به اهمیت انفاق اشاره دارند، از جمله آیه‌ای که می‌فرماید: "مُنْفِقِينَ در خوشی و سختی و خشم خود را کنترل می‌کنند و از خطا می‌گذرد." (آل عمران: ۱۳۴)

همچنین، انفاق می‌تواند به شکل‌های مختلفی انجام شود، از جمله صدقه، کمک به نیازمندان، واحسان به خانواده و دوستان. این عمل به ایجاد یک جامعه همدلتر و پرمحبت‌تر کمک می‌کند.

رهبر انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای، نیز همواره به اهمیت انفاق و کمک به نیازمندان تأکید کرده‌اند. ایشان بر این باورند که انفاق نه تنها یک عمل نیکوست، بلکه نشانه‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی و انسانی است.

ایشان به برکات و آثار مثبت انفاق در جامعه اشاره کرده و تأکید دارند که کمک به دیگران، موجب تحکیم روابط اجتماعی و ایجاد همبستگی در بین مردم می‌شود. همچنین، رهبر انقلاب به لزوم توجه به نیازمندان و افرادی که در شرایط سخت قرار دارند، مهم می‌دانند.

انفاق در اسلام یکی از اعمال نیکو و مورد توجه بسیار است. از دیدگاه قرآن و احادیث، انفاق به عنوان ابزاری برای کمک به هم‌نوعان و ایجاد عدالت اجتماعی تلقی می‌شود. در بسیاری از آیات قرآن، خداوند بر اهمیت انفاق و بخشش تأکید کرده و آن را موجب تقویت جامعه می‌داند.

هدف از این پژوهش بیان انفاق از دیدگاه اسلام با محوریت دیدگاه رهبری است و در این پژوهش به این مسئله پرداخته می‌شود زیرا به طور کلی، انفاق به عنوان نشانه‌ای از محبت، انسانیت و مسئولیت اجتماعی در نظر گرفته می‌شود که باعث نزدیک‌تر شدن افراد به یکدیگر و ارتقاء کیفیت زندگی در جامعه می‌گردد.

در این پژوهش به این سوال پاسخ داده می‌شود: دیدگاه اسلام و با محوریت دیدگاه رهبری نسبت به مسئله انفاق چگونه است؟

در رابطه به مسئله انفاق از دیدگاه اسلام منابع و پژوهش های بسیاری وجود دارد، خود قرآن منبع اصلی برای فهم مفهوم انفاق در اسلام است و همچنین کتاب «انفاق در اسلام و تأثیر آن بر کاهش فقر» نوشته‌ی دکتر محسن رضایی، این کتاب مرتبط با تأثیر انفاق بر مسائل اقتصادی و اجتماعی است. مقاله اثر انفاق از منظر قرآن و عترت نوشته آقای محمد جعفر افسای که به این مسدله پرداخته است و پایانامه بررسی آثار فردی و اجتماعی انفاق از دیدگاه قرآن کریم نوشته آقای ابراهیم علی نژاد، اما در هیچ یک از این آثار پژوهشی ارزشمند به این مسئله با محوریت مقام معظم رهبری نپرداخته اند که این پژوهش درصدد دستیابی به آنست.

این پژوهش متشکل از سه بخش است در بخش مفاهیم و اصطلاحات واژه انفاق مورد بررسی قرار می گیرد و سپس به تأثیر انفاق بر جامعه پرداخته می شود و در قسمت پایانی پژوهش چالش ها و موانع انفاق مطرح می شود.

مفاهیم و اصطلاحات

انفاق در لغت: این واژه از ریشه «ن - ف - ق» به معنای کم شدن، نابود شدن، هزینه کردن، مخفی کردن و پوشاندن است. (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۴۲)

انفاق در اصطلاح: در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، انفاق اصطلاحاً به اعطای مال یا چیزی دیگر در راه خدا به فقیران و دیگر راههای مورد نیاز گفته می شود. (فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۲۳) به نوشته راغب انفاق از آن رو به بخشیدن مال اطلاق می شود که با بخشش، به ظاهر مال فنا و زوال می یابد. (مفردات، ص ۸۱۹) به نظر برخی واژه شناسان انفاق با «اعطا» از آن جهت متفاوت است که در انفاق همواره مالکیت شیء انفاق شده منتقل می شود (الفروق اللغویه، ص ۸۲)؛ ولی در اعطا لزوماً چنین نیست، از این رو اسناد انفاق را به خداوند مجازی و آن را در آیه «يُنْفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ» (مائده، ۶۴) به معنای رساندن رزق به بندگان دانسته اند. افزون بر واژه «نفق» و مشتقات آن که بیش از ۷۰ بار و غالباً به معنای اصطلاحی آن در قرآن آمده، قرآن با واژگان و تعبیری دیگر نیز به این موضوع اشاره کرده است؛ مانند: صدقه یا صدقات زکات با مشتقات آن اعطاء، ایتاء، جهاد کردن با مال، قرض الحسنه دادن به خداوند، اطعام رزق همچنین آیات مربوط به پاره ای تکالیف مالی مانند پرداختن زکات یا کفاره را می توان از مصادیق انفاق (به معنای عام آن) دانست. البته در

مواردی معدود، مراد از واژه انفاق در قرآن مفهومی جز معنای اصطلاحی دانسته شده است. (ویکی فقه دانشنامه حوزوی، ص ۳)

در انفاق باید بهترینها را انفاق کرد که چند آیه در قرآن هست. این یک تمرین است، یک آزمایش است که یک آیه این است که: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا انْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ»؛ یعنی ای کسانی که به خدا ایمان آوردید، از بهترینها، از زیباترینها، از آنچه که نفیستر و قیمتتیر هست، در راه خدا انفاق کنید. نروید سراغ جنس بد و آن را در راه خدا بخواهید بدهید، زیادیها، لباس زیادی، خوراک زیادی، آن چیزی که از دهن افتاده و خود شما آن را کنار گذاشتید، آن را در راه خدا انفاق کنید. نه، از بهترین آنچه که دارید، در راه خدا انفاق کنید که این آیهی سورهی بقره است و آیهی سورهی آل عمران هم که معروف است، در ذهن همه هست که: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ»؛ آن عزیزترهاش را در راه خدا بده، آنچه که بیشتر به آن علاقه داری. (۱۳۶۶/۰۸/۲۹)

البته از نکاتی که باید به آن توجه داشت رعایت اعتدال در بحث انفاق است

مقام معظم رهبری در این رابطه می فرمایند: در انفاق برای خدا هم افراط و تفریط نکنید. میانه روی؛ میانه روی در خرج کردن. این را باید ما به صورت یک فرهنگ ملی در بیاوریم. (۱۳۸۶/۰۷/۲۱)

و در بحث انفاق باید به این موضوع توجه داشت که انفاق منحصر به مسائل مالی نیست همانگونه که مقام معظم رهبری می فرمایند: انفاق فقط انفاق پول نیست، انفاق علم هم انفاق است، همان وقتی که بیکار هستید و می توانید کمک کنید به بی سواد و نادانی، دانش تان را انفاق کنید و همین انفاق هم اتفاقاً اول فایده اش به خودتان می رسد. (۱۳۷۰/۰۷/۲۱)

تأثیر انفاق بر جامعه

۱- رفع فقر در جامعه

با بررسی دیدگاه اسلامی روشن می شود که از موجبات فقر در جامعه، عدم توجه به مسئله انفاق است در این رابطه آیات و روایاتی وجود دارد؛ از جمله آیاتی که موید این موضوع است این آیه است که می فرماید:

«وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ؛ در راه خدا انفاق کنید و به دست خود خویشتن را به هلاکت میندازید». (بقره، ۱۹۵)

این آیه صراحت دارد که انفاق مال و پراکندن آن میان مردم، سبب بر پاماندن اجتماع و جلوگیری از فقر و نیازمندیها و تباه گشتن جامعه است، یعنی انفاقی که مایه زندگی افراد باشد- بطبع- فقر و ناداری مردم را از میان می برد. و جلوگیری از فقر و ناداری سبب قوام اجتماع و بی نیازی آن می شود، درست بر خلاف بخل و امساک و حبس کردن مال، که مایه فقر و ناداری اجتماع است و به تباهی اجتماعی می انجامد. (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۱۹۴)

در برخی از روایات آمده است که خداوند فقر را امانتی از جانب خداوند عنوان کرده اند از جمله این روایت پیامبر «ص» که می فرماید: ای علی! خدا فقر را امانتی نزد آفریدگان خود قرار داده است، پس هر کس آن را بپوشاند (و هیچ کس از فقر او مطلع نشود) پاداش نمازگزار روزه دار به او می دهد؛ و هر کس آن را در نزد کسی که می تواند وی را از فقر برهاند آشکار سازد، و او چنین نکند، فقیر را کشته است؛ البته او را به شمشیر و نیزه نکشته، بلکه با جریحه دار کردن قلبش کشته است. (حکیمی و دیگران؛ ۱۳۸۰، ج ۴، ص ۴۲۵)

البته این گونه احادیث دلیل بر آن نیست که اسلام فقر را بعنوان روشی برای زندگی و اجتماع پذیرفته است، که مردمانی در جامعه های اسلامی باید با فقر زندگی کنند؛ زیرا ظاهر این تعبیرها به ما می فهماند که فقر و نیازمندی همچون امانتی میان انسان و خداست. و این انگیزشی اخلاقی است بر بی نیازی جان و نفس، نه تصویب فقر اجتماعی و پذیرش حضور آن در میان توده ها، و واجب نبودن مبارزه برای برانداختن آن. تعالیم اسلامی که همگان را به طرد فقر می خواند و به مبارزه با آن و کندن ریشه های گوناگون آن برمی انگیزد- هم در تراز فردی و هم به توسط جامعه و دولت- به اندازه ای است که هیچ مجالی برای این توهم باقی نمی گذارد که سکوت بر فقر فقیران و تکاثر ثروتمندان امری است که اسلام آن را می پسندد. آیات فراوانی که در قرآن کریم آمده است و مردمان را به انفاق و بخشیدن مال به صورت و اشکال گوناگون فراخوانده است، برای اثبات این امر کافی است که اسلام تنها مبارز در برابر فقر است، که همگان را سخت به مبارزه ای فراگستر با فقر و برانداختن آن واداشته است.

با بررسی آیات انفاق در قرآن، میبینیم که به تصریح بسیاری از این آیات، یا به کمک قرائن، انفاق مالی مراد است؛ اما در بسیاری دیگر از آیات، سخن از انفاق بهطور مطلق مطرح شده و مسلم است که شامل انفاق مالی و نیز غیر مالی میشود.

بنابراین، انفاق در قرآن تنها پول دادن نیست. انفاق مالی در برابر انفاقات دیگر بسیار ناچیز است. انفاق این است که آنچه خدا به تو داده، برای دیگران انفاق کنی. از جمله ویژگیهای منافق، عدم انفاق است. منافقان برای غیر خودشان انفاق ندارند و اموال و داراییهای خود را در جایی بهکار میبردند که نفعش عاید خودشان شود. مردمی که وجودشان فقط برای خودشان است، مصداق «يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ» هستند. مثل اینها مثل کرم ابریشمی است که تمام آب دهانش را دور خود میتند و بعد در میان همان دیوار و حصاری که به دست خود ساخته، می میرد و چیزی هم درک نمی کند و بعد از او منفعت آن را دیگری می برد». (۱۳۹۷/۰۳/۲۱)

۳- حرص

گاه حرص و طمع مانع انفاق می شود و خداوند در سوره تغابن در این رابطه می فرماید: «فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» پس تا می توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است؛ و کسانی که از بخل و حرص خویشتن مصون بمانند رستگارانند!» (تغابن، ۶)

در آیه ای دیگر چنین آمده است: «وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» و برای کسانی است که در این سرا [= سرزمین مدینه] و در سرای ایمان پیش از مهاجران مسکن گزیدند و کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست می دارند، و در دل خود نیازی به آنچه به مهاجران داده شده احساس نمی کنند و آنها را بر خود مقدم می دارند هر چند خودشان بسیار نیازمند باشند؛ کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارانند» (حشر، ۹)

راهکار مقابله با حرص را امام صادق اینگونه بیان می کند: اگر خداوند تبارک و تعالی رزق را بر عهده گرفته است پس دلمشغولی تو برای چیست؟! و اگر رزق مقسوم است، پس حرص برای چیست؟! و اگر حساب حق است پس گرد آوردن و اندوختن برای چیست؟! و اگر عوض دادن انفاق از جانب خداوند عز و جل حق است، پس بخل برای چیست؟! (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۳۳۷)

از دیگر موانع انفاق حب شدید انسان به مال و فرزندان است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ... وَ أَنْفَقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ» (منافقون، ۱۰۹)

از این رو، در آیاتی دیگر برخی از بستگان نزدیک انسان دشمن او خوانده شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ» (تغابن، ۱۴)

سرّ این نکته آن است که گاه علاقه شدید انسان به آنان باعث می‌شود که او از ایمان به خدا یا انجام دادن کارهای نیک همچون انفاق در راه خدا بازماند.

البته برخی ممکن است در این رابطه دچار افراط شوند و یا اینکه تصور کنند انفاق سبب ترک دنیا و بی اعطنائی به مواهب الهی می‌شود ولی مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرماید: «بی رغبتی به دنیا، با بنای دنیا - که خدای متعال این را وظیفه‌ی همه قرار داده است - منافات ندارد. دنیا را بسازید، زمین را آباد کنید، ثروت ایجاد کنید؛ اما دل نبندید، اسیر آن نشوید، غلام ثروت و پول و مال و منال نشوید، مقهور به آن نشوید، تا راحت بتوانید آن را در راه خدا انفاق کنید. آن توازن اسلامی، این است». (۱۳۷۵/۱۱/۱۲)

این زکات و انفاقی هم که یک عبادت بزرگ محسوب می‌شود، دارای جسم و روحی است. «و من یوق شحّ نفسه فاولئک هم المفلحون». این زکات، باید آن حرص و بخل درونی ما را بشکند و آن دلبستگی ما به مال و به زخارف دنیوی را از بین ببرد. این زکات، زکات خوبی است. (۱۳۶۹/۰۲/۰۶)

۴- عدم رعایت اعتدال

از دیگر چالش‌های موجود در بحث انفاق مسئله رعایت نکردن اعتدال در این زمینه است، خداوند در لزوم رعایت این امر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا؛ همان‌هایی که وقتی انفاق می‌کنند، نه اهل زیاده‌روی هستند و نه بخل می‌ورزند و بلکه بین این دو راه اعتدال را بر می‌گزینند» (فرقان، ۶۷)

«کلمه‌ی «قوام» به معنای حد وسط و همچنین کلمه‌ی «قوام» به معنای وسیله‌ی قیام است. امام رضا علیه السلام مقدار هزینه و انفاق معتدل را همان مقدار معروفی دانستند که در سوره بقره آمده: «عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ» یعنی توانگر در شأن توانمندی خود و تهیدست در حدّ توان خود مطابق عرف پسندیده و شأن خود بدهد. امام صادق علیه السلام فرمود: بخشش در راه باطل، اسراف است (گرچه کم باشد)

و بخل در راه حق، اقتار است. در جای دیگر از قرآن کریم نیز می‌خوانیم: «لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ» نه دستت را به گردنت غل و زنجیر کن و بخیل باش و نه کاملاً آن را باز بگذار و ولخرجی و اسراف کن». (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۲۸۱)

امام سجّاد علیه السّلام فرمود: گاهی شخصی با اینکه مالش را در راه حق انفاق می‌کند اسراف کار محسوب می‌شود. (چون از اندازه گذشته و رعایت حدّ را نکرده است). (ابن بابویه، ۱۳۶۷، ج ۴، ص ۲۲۴)

و همچنین امام رضا علیه السلام در باب رعایت اعتدال در انفاق می‌فرمایند:

خدای عز و جل اسراف و سختگیری را ناخوش دارد و فرموده است کسانی که چون انفاق کنند نه اسراف ورزند و نه سختگیری کنند و میان این دو بحد اعتدال باشند (ابن بابویه، بی تا، ج ۱، ص ۶۴)

۵- ترس از فقر

از چالش‌های دیگر در مسئله انفاق ترس از فقر است همانگونه که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ، وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا؛ شیطان شما را (به هنگام انفاق) از فقر می‌ترساند، و به کارهای زشت امر می‌کند؛ و این خداوند است که آمرزش خویش را و فزون بخشی را به شما وعده می‌دهد» (بقره، ۲۶۸)

نتیجه گیری

انفاق به معنای اعطای بخشی از مال و یا غیر مال به افراد فقیر به جهت خشنودی خداوند است. اسلام در این رابطه علاوه بر تشویق مردم به انفاق همواره به آنها توصیه می‌کند از بهترین مال خود انفاق کنید و در جهت ترغیب مردم به این امر آثار انفاق را بیان می‌کند.

انفاق دارای آثاری است از جمله رفع کردن فقر در جامعه، اسلام همواره افراد جامعه را به پرداخت انفاق تشویق و امر نموده و این موضوع را مقید به میزان دارایی کرده لذا افراد ثروتمند با توجه به میزان دارایی بالایی که دارند باید بخشی از مال خود را به افراد فقیر جامعه بدهند و در صورت انجام انفاق فقر در جامعه ریشه کن می‌شود.

یکی دیگر از آثار انفاق طهارت و تزکیه نفس است مقام معظم رهبری انفاق را یک اصل تربیتی در جهت تزکیه نفس می دانند و آیات قرآن کریم نیز موید این مطلب هستند.

انفاق موجب آرامش روحی انسان می شود و این موضوع در آیات و روایت قرآن آمده است آنجا که خداوند در قرآن کریم می فرماید کسانی که انفاق می کنند ترسی ندارند و اندوهگین نمی شوند. مقام معظم رهبری بیان می کنند که انفاق بلکه عمیقی بر روح و روان فرد انفاق کننده دارد. از دیدگاه رهبری، این عمل به تقویت حس مسئولیت اجتماعی و همبستگی میان افراد جامعه کمک می کند.

با وجود تاکید بسیار تعالیم اسلام بر مسئله ی انفاق چالش ها و موانعی وجود دارد، یکی از عواملی که نمی گذارد دست کسانی که توانایی کمک دارند، به یاری فقرا دراز شود، روحیه ی مصرف گرایی و تجمل در جامعه است.

موضوع دیگری که مانع از انفاق می شود مسئله نفاق است، منافقان برای غیر خودشان انفاق ندارند و اموال و داراییهای خود را در جایی به کار می بردند که نفعش عاید خودشان شود.

حرص و دلبستگی شدید به مال و زندگی دنیوی مانع انفاق می شود، گاه انسان به واسطه علاقه شدید به مال و منال دنیایی از رضایت خداوند رویگردانی می کند.

یکی دیگر از چالش هایی که در مسئله انفاق مطرح است عدم رعایت اعتدال در این مسئله است، دیدگاه اسلام و رهبری در این باب نشان می دهد که اسراف حتی در انفاق مورد نکوهش خداوند واقع می شود بنابراین افرادی که انفاق می کنند باید به این موضوع توجه داشته باشند.

ترس از فقر نیز از موانع انفاق است زیرا انسان به ظاهر می بیند که با انفاق بخشی از مال او کم می شود این موضوع گاه مانع انفاق می شود ولی با بررسی دیدگاه اسلام و رهبری خلاف این موضوع عنوان می شود و با انفاق مال انسان بیشتر می شود.

منابع

• قرآن کریم

۱) حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، (۱۳۸۰)، الحیاء / ترجمه احمد آرام - تهران،

چاپ: اول.

- ۲) مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بحار الأنوار (ط - بیروت) - بیروت، چاپ: دوم.
- ۳) مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰.
- ۴) قرائتی، محسن، (۱۳۸۸)، تفسیر نور، ۱۰ جلد، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن - ایران - تهران، چاپ: ۱.
- ۵) ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۷)، ترجمه من لا یحضره الفقیه - تهران، چاپ: اول.
- ۶) ابن بابویه، محمد بن علی، (بی تا)، الخصال / ترجمه فهری - تهران، چاپ: اول.
- ۷) (لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۴۲).
- ۸) (فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۲۳).
- ۹) (مفردات، ص ۸۱۹).
- ۱۰) (ویکی فقه دانشنامه حوزوی، ص ۳).
- (۱۱)